تغییرات جدی است

بهکیش، محمد مهدی

مطلب اساسی که در دنیا اتفاق افتاده و در اینجا نیز دارد اتفاق می‏افتد قطع رابطه بین تورم و نقدینگی است که‏ مختص کشور ما نمی‏باشد.این اتفاق در دهه 90 در اروپا نیز رخ داده بود.برای همین آنها چارچوب سیاست گذاری‏ را عوض کردند و از هدف گذاری پولی‏ ( money targeting )به هدف‏گذاری تورم‏ ( inflation targeting )رو آوردند.هدف‏گذاری تورم یک‏ چارچوب سیاستگذاری دیگری است.آنچه که اتفاق افتاده‏ این است که تقاضا برای پول ثبات ندارد سرعت گردش‏ پول هم ثبات ندارد.چرا؟دلایل بسیار متعددی وجود دارد. چرا تقاضا برای پول ثبات ندارد،برای اینکه حساب سرمایه‏ باز شده است.وضعیت جاری مانند قدیم نیست که اقتصاد ملی بود و حساب سرمایه بسته و کنترل شده بود و تقاضا برای پول مطرح بود و ثبات داشت،دلایل دیگری هم‏ وجود دارد.ابزارهایی طراحی شده است ابزارها بسیار گوناگون که در سیستم مالی و پولی ما نیز هست و می‏توان‏ از انواع و اقسام این ابزارها استفاده کرد و تمام این مقررات‏ را دور زد.مطلب دوم روی سرعت گردش پول است. انواع و اقسام جایگزین‏های پولی( money substitute )درست‏ شده و سرعت گردش پول افت پیدا کرده است.طی این‏ سال‏ها فاکتورهای بسیار متعددی در آن دخیل بوده است. یکی از فاکتورهای اساسی حجم معاملات غیر نقدی‏ بانک‏ها،چک‏های تضمینی و در گردش و...است،که‏ حجم‏اش نسبت به اسکناس و مسکوک بسیار بزرگ‏ شده است،فکر می‏کنم بالای 70-60 هزار میلیارد باشد و اگر این گونه باشد از حجم اسکناس مسکوک ما بیشتر شده است و بنابراین چون اینها یک عنصر در نقدینگی‏ هستند و چون به شدت سرعت گردش‏اش نسبت به بقیه‏ عناصر پایین است سرعت گردش پولی را پایین آورده‏ است.تحت تاثیر این دو فاکتور هدف‏گذاری پولی یعنی‏ رابطه بین پول و تورم شکسته شده است.باید بپذیریم که‏ این شکستگی ایجاب می‏کند که چارچوب‏ سیاست‏گذاری پولی را عوض کنیم،که آن مقوله مهم‏ مورد اشاره است.

در مورد بی‏ثباتی تقاضا برای پول هیچ ضریب مثبت و منفی و کاهش( down-side rtsk )و افزایش ریسک‏ ( up-side risk )اشاره نشد.منظور این بود که ربطه شکسته‏ شده است.لذا پول متغیر مناسبی برای مدیریت نقدینگی‏ و کنترل تورم نیست.البته باید به پول توجه کرد زیرا کماکان‏ پول یک فاکتور عمده است،اما رفتارها آن‏قدر پیچده شده‏ و متغیرها آن‏قدر متعدد است که در کنار پول باید به ده‏ها فاکتور و عامل دیگر هم توجه داشت،مثلا نرخ ارز و دسترسی به قیمت بازار( assetmarketprice )و...پول هم‏ یکی از این عوامل است.

تحولات جهانی شرایط ما را هم دگرگون کرده است‏ تغییرات، جدی است

 محمد مهدی بهکیش

شرایط دنیا در نتیجه جهانی شدن دچار تغییری اساسی‏ شده است.این تغییر و تحولات سبب شده که شرایط ما هم دچار دگرگونی شود.می‏دانیم که سال گذشته چون‏ سال‏های قبل،ایران در قالب یک اقتصاد نسبتا بسته حرکت‏ کرده است و روابط اقتصادی و حساب سرمایه ما که در همین جلسه به آن پرداخته شد خود شاهدی است بر این‏ مدعا.به باور من ایران اکنون از بیرون جهانی شده است. یعنی مرزهای ما که از سوی عراق بسته بود اکنون باز شده‏ است همچنین در شمال کشور مرزها که از زمان اتحاد جماهیر شوروی سال‏ها بسته بود اکنون از آن سو باز شده است.مرزهای افغانستان نیز سال‏ها از آن سو بسته‏ بود ولی در حال حاضر سدی وجود ندارد.در نتیجه این‏ باز شدن‏ها تبادل کالا،خدمات و سرمایه به شدت تسهیل‏ شده است،منتهی به صورت غیر رسمی.موضوع دیگری‏ که باید مورد توجه خاص قرار گیرد،گسترش فراوان جریان‏ پول‏های غیر شفاف در کشور است.نکته دیگر در این میان‏ اثرات این تغییرات است که موجب شده کشور ما به تدریج‏ پتانسیل‏های جدید خود را نشان دهد و از جمله‏ پتانسیل‏های عمده مملکت در تجارت است.در نتیجه با توجه به اتفاقات بیرونی باید شاهد اثرگذاری تغییرات بر بخش صنعت باشیم یعنی صنعت ما بشدت تحت فشار رقابت کالای قاچاق قرار گرفته است.بر این اساس است‏ که در کشور شاخص صنعت رو به پایین و از آن تجارت‏ رو به رشد دیده می‏شود.این شرایط ممکن است از نظر درآمدی برای کشور مثبت باشد؛چون سودآور است.ولی‏ در بسیاری از صنایع با مشکل مواجه شده‏ایم زیرا بسیاری‏ از صنایع در کشور در 40 سال اخیر براساس مزیت‏ها شکل‏ نگرفته‏اند و به همین لحاظ در مجموع ممکن است این‏ روند در حال شکل‏گیری برای کشور مثبت باشد،ولی‏ بخش اشتغال‏مان را به شدت تحت تاثیر قرا دهد چون‏ صنعت علیرغم سودآوری پایین اشتغال‏زا است و اشتغال‏ بیشتری ایجاد می‏کند لکن خدمات ممکن است با اشتغال‏زایی کمتر گردش کار خیلی بیشتری داشته باشد.

با توجه به شرایط حاکم فکر می‏کنم که ساختار اقتصادی‏ کشورمان به سرعت،در حال تغییر است بدون آن که‏ هیچ‏گونه سیاستگذاری مناسبی وجود داشته باشد و این‏ خود خطرناک است.برای اینکه در یک اقتصاد نسبتا باز ابزارها هستند که اقتصاد را کنترل می‏کنند.ولی به باور من‏ کنترل دولت بر ابزارهای سیاست‏گذاری در حال از دست‏ رفتن است و یا تاثیر آن‏رو به کاهش است.به دو دلیل:

1-به دلیل اتفاقات درونی که به کارگیری ابزار سیاست‏گذاری کم تاثیر می‏شود

2-و به دلیل اتفاقات بیرونی،که به دلیل کم رنگ شدن‏ کنترل بر مرزها ورود کالای قاچاق رو به گسترش است.

در مورد موضوع شکست نقدینگی و تورم که در این‏ جلسه درباره آن صحبت شد،بخشی از آن تحت تاثیر اتفاقات بیرونی است.ابزارهای جدید مالی و گسترده که‏ در جهان به وجود آمد،از جمله ابزارهای بیرونی است.که‏ کنترل دولت بر محیط پولی و مالی کشور را ضعیف‏تر می‏کند.

احساس من این است که در این چند ماه دولت به‏ دیدگاه‏های تخصصی که منتشر می‏شود توجه نمی‏کند، البته منعی هم در ابراز نظر کارشناسان وجود ندارد.هر یک‏ از کارشناسان نظرات خود را اعلام می‏دارند.ولی اصلا عکس العملی در مورد بحث‏هایی که در مطبوعات مطرح‏ می‏شود و یا کارشناسان انجام می‏دهند دیده نمی‏شود.بر این اساس بخش کارشناسی غیر دولت نفوذ فکری‏اش به‏ سرعت در حال کاهش است.با توجه به این سه عامل و با نگاهی به برنامه کلان اقتصادی کشور به نظر می‏رسد با تغییرات جدی درونی و بیرونی در کشور مواجهیم، افزایش درآمدهای نفت هم بر این مجموعه به شدت افزوده‏ است.به همین دلیل دولت به پشتوانه درآمدهای نفت به‏ دیدگاه‏های تخصصی کم توجه شده است و این روند موجب نگرانی زیرا آثار نامناسب آن را در شش ماهه‏ دوم سال می‏توان انتظار داشت.